

« مشروعیت سیاسی و بازتولید قدرت در ایران امروزی »



دکتر بصیر کامجو

چکیده

این مقاله با رویکردی تحلیلی، اخلاق‌محور و مبتنی بر داده‌های تاریخی، به بررسی جایگاه رضا پهلوی در چشم‌انداز سیاسی آینده ایران می‌پردازد. با نگاهی به متروکات پادشاهی پهلوی و رفتارهای سیاسی اخیر فرزند پادشاه سابق، تلاش شده تا امکان برخوردار بودن، کارآمدی و مقبولیت همگانی او مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد که بازتولید قدرت در شکل‌های وراثتی، بدون پشتوانه مردمی، تناسبی با نیازهای جامعه مدرن ایران ندارد.

مقدمه

ایران، به نام یکی از تمدن‌های کهن، در قرون اخیر شاهد فرمانروایی‌های گوناگونی بوده که هر کدام پیامد ژرفی بر ساختار سیاسی و اجتماعی کشور گذاشته‌اند. یکی از این دوره‌ها، فرمانروایی پهلوی است که منجر به دگردیسی و واگشت 1357 گردید.¹ با گذشت بیش از چهار دهه از فروپاشی نظام شاهنشاهی، دوباره بگویم که درباره بازگشت رضا پهلوی به پیشگاه سیاست ایران مورد توجه است. آیا این بازگشت ممکن، دلخواه یا مجاز است؟

مرور تاریخی و آسیب‌شناسی پادشاهی پهلوی

وابستگی به قدرت‌های خارجی

رضاشاه بوسیله پشتیبانی بریتانیا به قدرت رسید و پسرش محمدرضا نیز با پشتوانه دخالت‌های خارجی به‌ویژه در جریان کودتای 28 مرداد 1332 بر مسند باقی ماند^{2 3}

سرکوب آزادی‌ها و نهادزدایی

در دوره پهلوی، فعالیت احزاب مستقل، رسانه‌های آزاد و جامعه مدنی با سرکوب مواجه شد. ساواک، سانسور، و بازداشت مخالفان به بخشی از حافظه تاریخی ملت بدل گشته است.^{4 2}

نارضایتی گسترده و تغییرات اجتماعی

جنبش مردمی 1357، نه رخدادی ناگهانی، بلکه برآیند طبیعی سال‌ها ناکارآمدی، استبداد و نارضایتی انباشته‌شده از نظام سلطنت بود.^{5 1}

شخصیت سیاسی رضا پهلوی؛ بررسی انتقادی

فاصله با واقعیت‌های جامعه ایران

رضا پهلوی بخش اعظم زندگی خود را در غرب گذرانده و در تحولات میدانی کشور نقش فعالی نداشته است.^{6 5}

وابستگی احتمالی به حمایت‌های خارجی

گرایش برخی اطرافیان و مشاوران او به نهادها و کشورهای خارجی، گاه شائبه اتکاء به عوامل بیرونی را تقویت کرده است.⁶

نبود برنامه فراگیر و شفاف

در حالی‌که بسیاری از نیروهای سیاسی برنامه‌های عملی تدوین کرده‌اند، رضا پهلوی تاکنون از ارائه یک راهبرد روشن و ملموس سیاسی مردمی بازمانده است.⁶

الزامات رهبری ملی در ایران امروز

- مشروعیت از مردم، نه از خون و نام خانوادگی³
- پرهیز از هرگونه تکیه بر بیگانگان برای کسب قدرت⁴
- صداقت، شفافیت و پاسخگویی به مردم
- درک ژرف از رنج مردم و مشارکت در مبارزات مدنی واقعی
- داشتن برنامه عملی، نه شعارهای هیجانی یا نوستالژیک⁵

نتیجه‌گیری

بازگشت به ساختارهای کهنه و ناکارآمد حکومت‌داری، حتی با چهره‌ها یا شعارهای تازه، پاسخی به نیازها و آرمان‌های نسل امروز ایران نیست. جامعه‌ای که هزینه‌های سنگین گذشته را با گوشت و پوست خود لمس کرده، سزاوار آینده‌ای روشن‌تر، عادلانه‌تر و مشارکتی‌تر است. آینده‌ای که بر پایه عقل جمعی، شفافیت، عدالت اجتماعی و حضور واقعی و فعال مردم بنا شده باشد.

در این مسیر، هر فردی حق دارد در سپهر عمومی حضور یابد و ایده‌های خود را مطرح کند، از جمله رضا پهلوی. اما رهبری ملی نیازمند مشروعیتی برخاسته از تجربه‌های زیسته، تعامل مداوم با مردم، و اثبات توانایی در همدلی و کنشگری واقعی است. مردم ایران به دنبال چهره‌هایی هستند که رنج‌ها و امیدهای آنان را با تمام وجود لمس کرده‌اند، نه آنان که تنها از دور به تماشا نشسته‌اند.^{5.6}

منابع و پاورقی‌ها

1. آبراهامیان، پرواند. *ایران بین دو انقلاب*. تهران: نشر نی، 1398.
²↵↵
2. میلانی، عباس. *معمای هویدا*. تهران: نشر نی، 1390.²↵↵.
3. کاتوزیان، محمدعلی. *دولت و جامعه در ایران*. تهران: نشر مرکز، 1387.²↵↵.
4. اسناد مربوط به کودتای 28 مرداد و تحولات دهه 30 و 50؛ به‌ویژه آرشیو ملی ایران و اسناد منتشرشده توسط دولت آمریکا.²↵
5. دباشی، حمید. *ایران: بین سنت و تجدید*. ترجمه رحمان افشاری، تهران: نشر نی، 1396.⁴↵³↵²↵.
6. بیانیه‌ها و مصاحبه‌های رسمی رضا پهلوی، قابل دسترسی در:
⁴↵³↵²↵ <https://www.rezapahlavi.org>